

# روایت‌گر وضعیت انسان در جهان مدرن

مروری بر چهار دهه آثار علی نصیر





# نقاشِ قصه‌های بی‌جغرافیا



حسین کجی  
روزنامه‌نگار

مشخص‌کننده‌ای ترسیم‌کنند. این خصوصیت رنگ است که اضافه می‌شود تا متمایز سازد. تمایز بین آن چه باید دیده شود، مثل یک سوپرستار یا نقش اول، تا آن چه باید در سایه قرار گیرد به‌عنوان نقش مکمل، تا آن چه باید با مکث به‌عنوان نقش دوم در کانون توجه قرار گیرد.

روژه دوپیل روزی اشاره کرده بود: «اگر می‌خواهید چیزی را تعریف کنید، نخست آن را ذیل جنس جای دهید، سپس به تمایز موضوع مورد نظرتان نسبت به سایر اعضای همان جنس اشاره کنید و به این ترتیب، فصل آن را نشان دهید.» او در پاسخ به این سؤال که پس وجه تمایز یا فصل نقاشی چیست می‌گوید: «مُدولاسیون و میزان کردن رنگ‌های گانه ویژگی نقاشی است.»

رنگ در آثار نصیر صورتی تمایزگونه و البته رویکردی اجتماعی در شدت و ضعف به‌کارگیری دارد. رنگ‌ها بیان‌کننده‌ی حالات فیگورها و فضاهایی هستند که علی نصیر دست به روایت آن‌ها زده است. در طراحی‌های نصیر هم مسیر رسیدن به درک آن چه می‌گذرد و می‌گوید همین است. تیرگی و روشنی یک بازی مثل پلیس خوب و بد راه انداخته‌اند و هر کدام آن جاکه سایه‌ها شکل می‌گیرند و در هم می‌آمیزند نقطه‌ی کانونی روایت را شکل داده‌اند. به عمق جنگل‌ها و درختانی که طراحی کرده یا عمق عضلات و اندامی که کشیده است نگاه کنید، چگونه تیرگی شما را به درون خود یعنی به درون روایت نقاش می‌کشاند.

تصورم این است که علی نصیر به نقطه‌ی بی‌جغرافیایی رسیده است. برای او انسان در یک تصویر کلی و حیوان و بسیاری چیزهای دیگر در یک قاب جهانی مطرح است. این که او را جایی در میان آلمان و ایران در نظر بگیریم شاید اشتباه باشد. او از معدود هنرمندان زاده‌ی ایران است که به زبانی جهانی و درک و روایت و زبان تصویری جهانی رسیده است. زبانی که خاص اوست و شاید کم‌تر رد پایی از وام‌داری به جایی در آن دیده شود. او آن جاکه انسان حضور دارد، ناخودآگاه سراغ رنگ‌های تشدیدشده می‌رود و آن جاکه انسانی از صحنه بیرون می‌رود، گویی دیگر رغبتی به رنگ گذاشتن ندارد. او را نباید و نمی‌شود در جغرافیا و زمانی مشخص محدود کرد. او در مسیر آشنایی با ادبیات و هنر ایرانی، با هم‌کاری با یدالله رهایی و دوستی با او و الهام گرفتن از اشعارش، سمت مدرن‌تر و جهانی‌تر ادبیات ایران را انتخاب کرده است. جایی که حداقل ادبیات کلاسیک و سنتی در آن دیده می‌شود. هر اثر علی نصیر یک فریم از وضعیت انسان در بستر جهان است. جایی که انسان به‌نوعی درگیر و در تضادها و نمادهای پرتناقض، سعی می‌کند راهی به‌رهایی پیدا کند. جایی که علی نصیر ترجیح می‌دهد آن را سیاه و سفید، طراحی‌وار، به نمایش در آورد.

او نقاش شمایل و قصه‌هاست که خود آن‌ها را شکسته و ناکامل به نمایش در آورده تا گویی به بخشی از واقعیت و حقیقت این جهان نقب بزنند. از این رو کارهای او را بیش از هر چیز از منظر فلسفه باید واکاوی کرد. فلسفه‌ای که در آلمان می‌توان آرتور شوپنهاور را نزدیک بدان دانست. همان شوپنهاوری که طبیعتی ناآرام و متزلزل داشت و پیر از سوءظن و عصبیت بود و می‌گفت: «کار انسان نباید تفکر درباره‌ی آن پدیده‌هایی باشد که تاکنون کسی به آن‌ها پی نبرده است، بلکه باید اندیشیدن به آن واقعیاتی باشد که در برابر دیدگان همه قرار دارد، ولی کسی به آن‌ها نپرداخته است.» همان واقعیتهایی که در آثار علی نصیر می‌توان رد پایش را یافت.

یکی از وجوه مهم نظریه‌ی نظام‌مند هنر، آموزه‌ی نمادهاست. به قول موشه باراش: «این واقعیت است که تصویر را باید خواند، این که می‌توان با ترجمه‌ی معنای رمزی فیگورها و اشیاء به الفاظ مرسوم رسید و پیام تصویری را هویدا کرد و خواند.» حداقل بیش از پنج قرن است که اندیشه‌ی جدیدی نیست. کم‌این که پیش از آن نیز انسان با تصاویر و رنگ‌ها و انبوهی از نشانه‌ها سعی می‌کرد حرف خودش را بزند، یا به آن چه در قالب همین نشانه‌ها و رنگ‌ها در جامعه خود را پنهان کرده، دست پیدا کند. علی نصیر یک اسطوره‌پرداز واقع‌گراست. او به خوبی از نمادها و نشانه‌ها بهره می‌گیرد. از صحنه‌ی واقعیت جامعه‌ی پیرامونی خود بهره می‌گیرد تا از نزاع پنهان انسان برای زندگی، از مرز نشینی و تقابل‌های اجتناب‌ناپذیر و تضادهای ویران‌کننده، پرده کنار زند. او شاگرد خوب روزگار معاصر و مسلط بر نمادهای اجتماعی و روابط انسانی در بستر جامعه‌ی مدرن است، پس باید به شیوه‌ی مدرن هم آن را برای ما روایت کند. نمادهای سنتی کم‌تر در آثار او جای دارند. او از آن چه جامعه‌ی سنتی است به‌منظر بکل عبور کرده است. تصویری که او از انسان تا حیوان تا خورشید و درخت به ما می‌دهد، کاملاً امروزی و خاص اوست.

برای مثال به رنگ در آثار او با دقت نگاه کنید. رنگ‌ها می‌آیند تا مرزها را ایجاد کنند، تا پاساژهایی باشند، داستان را عمق ببخشند و میان‌ها خط‌روایی و







عکس: کتوه کرسی

گفت‌وگویی تجربه‌ی با علی نصیر

## فرهنگ ایرانی و اروپایی را در آثارم تلفیق کردم

تأثیرگذاری از زندگی او در مراودات اجتماعی این محلات زنده و پرماجرا و در دل معاشرت‌های خانوادگی بزرگ و پرجمعیت‌اش سپری شد. شغل موروثی تمام اعضای خانواده زرگری بود. بنابراین ذوق ورزی و کار ظریف دستی در این زندگی نقش خود را داشت. او در سال ۱۳۵۳ برای تحصیل به اروپا رفت. از میان علائقش به معماری و سینما و نقاشی دست آخر نقاشی را برگزید و سال ۱۳۵۷ در آزمون ورودی دانشگاه برلین پذیرفته شد و از آن پس مقیم این شهر باقی ماند.

مقارن با دوران تحصیل او (۱۳۵۷-۱۳۶۲) آموزش هنر در فضای دانشگاهی آلمان غربی از نظام باوهاوس فاصله گرفته و از این رهگذر رشته‌ی نقاشی آزاد پدید آمده بود. این دوران مصادف با اوج‌گیری جنبش‌های نئواکسپرسیونیستی بود که در همین دانشگاه پایگاه مهمی داشتند و به موازات آن درخشش هنرمندان تک‌رو دهه‌ی ۱۹۸۰، نصیر با موفقیت مرحله‌ی آموزش خود را گذراند و وارد دادوستد با فضای هنری شد. امتیازات و بورس‌هایی به دست آورد و نخستین نمایش انفرادی‌اش با استقبال مواجه شد. او سال‌ها کنار نقاشی به کار آموزش در دانشگاه‌های آلمان نیز مشغول بود و آثارش را در گالری‌های معتبری در آن جا ارائه می‌کرد.

از سال ۱۳۷۰ به این سو نصیر با فضای هنر ایران نیز ارتباط برقرار می‌کند. کارهایش را به‌تناوب در ایران نمایش می‌دهد و در دوره‌هایی از اقامت‌اش در ایران،

ندا زنگنه

شیرنگر



از میان چهره‌های تأثیرگذار نقاشی معاصر ایران علی نصیر بی‌گمان متفاوت‌ترین فرد است. کسی که عمده روزگار خود را در خارج از ایران گذرانده و هنر را به‌گونه‌ای از ابتدا آن‌جا فرا گرفته و از بیرون به درون نگاه کرده و می‌کند. بی‌دلیل نیست که با این شرایط روابط اجتماعی برایش مسئله‌ی بنیادین بشود و آثارش سرشار از روابط و انسان‌هایی شوند که در یک سردرگمی گرفتار آمده‌اند. «تأثیر مهاجرت بر فضای نقاشی‌های نصیر در پیوند با نگاه پرسش‌گر هنرمند، فرصتی برای نوآوری و تجربه‌گرایی را در آثارش به ارمغان آورده است. دغدغه‌ی او به تصویر کشیدن مفهوم عمیق از زندگی و روابط گنگ و ناپیدای انسان معاصر است؛ انسانی که حیات‌اش در میانه‌ی خاطرات بی‌قراری، معضلات محیط‌زیستی و مسائل اجتماعی پیرامون‌اش بیش از هر زمان ملتهب و اضطراب‌آمیز شده، ولی از چشم‌اندازی دیگر و در مواجهه با زیبایی و شور زندگی معنایی تازه می‌یابد.»

علی نصیر در سال ۱۳۳۰ در محله‌ای نزدیک بازار تهران به دنیا آمد. بخش





آن رشته قبول نشدم. آن زمان توی ذوق ام خورد اما فکر کردم که علاقه تنها کافی نیست و حتماً معیارهای دیگر هم برای ورود به عرصه‌ی سینما لازم است. حتی خودم را برای امتحان ورودی دانشگاه هنر در رشته‌ی معماری هم آماده کردم اما بعد پشیمان شدم و فکر کردم نقاشی بهترین انتخاب و حرفه است برای من. علاقه به سینما و معماری را هنوز هم دارم و چند سال در مدرسه‌ی عالی برلین در دانشگاه معماری می‌حث رنگ‌شناسی و عناصر طراحی درس می‌دادم.

◆ الان از این تصمیم‌تان یا تقدیری که رقم خورد راضی هستید؟

بله صد درصد. به دلیل آرزوهای جوانی دوست داشتم مسائل مختلف را تجربه کنم اما معتقدم نقاشی بهترین حرفه برای من بوده و هست.

◆ طی این سال‌ها از معماری و سینما هم در آثارتان الهام گرفتید؟

کارهای من همواره در عین این‌که فی‌البداهه به نظر می‌رسند اما چارچوب مشخص و منظمی دارند. این ویژگی در آثارم شاید از معماری سرچشمه گرفته باشد. هم چنین نوعی روایت‌گری در آثارم وجود دارد که می‌تواند از علاقه به سینما نشأت گرفته باشد.

◆ مهاجرت شاید مهم‌ترین فصل و نقطه‌ی عطف در زندگی شما بوده است. چطور شد که تصمیم به رفتن گرفتید؟

نمی‌توانم بگویم ایده یا هدف خاص و از پیش تعیین شده‌ای برای مهاجرت داشتم. در دوران جوانی تجربیات جدید را دوست داشتم. در درجه‌ی دوم نیز قصد داشتم از تحت حمایت خانواده بودن خارج و مستقل شوم و کاری را که دوست دارم انجام دهم. مهاجرت بیش‌تر یک تجربه‌ی جدید بود برایم. دوست داشتم بروم و دنیا را ببینم. فکر می‌کنم هر جوانی این آرزو را داشته باشد.

◆ شاید اتفاقات سیاسی و اجتماعی دهه‌ی نود نقش پررنگی در آثارتان داشته است که تاکنون هم جریان دارد. شما این موضوع را چطور تحلیل می‌کنید؟

من در برلین غربی زندگی می‌کردم که در آن سال‌ها محل تلاقی دو ایدئولوژی کاملاً متضاد بود. در برلین حتی احتمال وقوع جنگ جهانی سوم نیز وجود داشت. این برخورد دوقطبی فقط در زمینه‌ی سیاسی نبود و در زمینه‌ی فرهنگ و هنر هم کاملاً مشهود بود. در جمهوری آلمان شرقی و غربی یک سری نویسندگان و هنرمندان بزرگ بودند که از هم تأثیر می‌گرفتند یا در تقابل با یکدیگر بودند. همه‌ی این موارد در برلین نمود پیدا می‌کرد و در نتیجه فضای خاصی را رقم زده بود که طبیعتاً روی هنرمندان هم تأثیر می‌گذاشت.

◆ شما هم فضای آموزشی آلمان را تجربه کرده‌اید و هم فضای آموزشی فرانسه را و از فضای آموزش هنر در ایران نیز باخبر هستید. تفاوت‌ها و تمایزهای این سه کشور را در چه می‌بینید؟ یا بهتر بگویم، به هنر چگونه نگاه می‌کنند؟

من فضای آموزشی ایران را زیاد نمی‌شناختم. خیلی با قیاس این موارد موافق نیستم زیرا سیستم فرهنگی و آموزشی مختلفی در این کشورها حاکم است. آموزش هنرهای تجسمی پس از اتفاقات سال ۶۸ اروپا و به خصوص آلمان دچار تحولاتی شد و مانند قدیم نظام استاد-شاگردی دیگر مطرح نبود و فضای دموکراتیک‌تری برقرار بود. در واقع خیلی نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم زیرا از آن‌ها اطلاع دقیقی ندارم و بحث کارشناسی است.

◆ چند فرهنگی یا چند ملیتی بودن یکی از ویژگی‌های جذاب و متفاوت آثار شماست. آیا خودتان این موضوع را قبول دارید؟

درست است. به‌رحال من از یک فرهنگ وارد فرهنگی دیگر شدم اما سعی کردم که صرفاً یک توریست سیار نباشم و تلفیقی از این دو فرهنگ را در آثارم بروز دهم. در واقع دوست داشتم بخش‌هایی را از فرهنگ اروپایی بگیرم و فرهنگ خودم را نیز حفظ کنم.

◆ طبق گفته منتقدان هنری، این‌طور به نظر می‌رسد که در آثارتان توانسته‌اید از سنت به گونه‌ای جدا شوید که ریشه‌های فرهنگ ایرانی هنوز پابرجا بمانند.

نگاه شما به مدرنیته و سنت در فرهنگ و هنر ایران چگونه است؟

نقاشی ایرانی یا نگارگری در طول تاریخی یک زمان اوجی داشت و بعد افت پیدا کرد. نقاشی مدرن ما چه بخواهیم و چه نخواهیم از اروپا تأثیر گرفته است و ما



در دانشگاه آزاد و مؤسسات دیگر به تدریس می‌پردازد.

در توصیف آثار علی نصیر به خصلت «شهری» و «امروزی» آن‌ها بسیار اشاره شده است. جا دارد به‌رسم چه ویژگی‌ای موجب شده است که چمبسا بیش از نقاشانی که مستقیماً سازه‌های شهری را تصویر کرده‌اند، در بینندگان اش چنین تداعی‌هایی به وجود آید؟ شاید نکته‌ی اصلی را در تلقی خاصی از «زمان» بیابیم که در شالوده‌ی عمده تصاویر او ثبت و ضبط شده است و ما را به زیست جهان ویژه‌ای متصل می‌کند؛ مملو از داستان‌های درهم تنیده، بی‌هیچ نقطه‌ی اوجی که هم چون کلان‌روایت‌های گذشته زمان را به مکث و جهان را به نظاره وادار کند. بدون اتفاقاتی که قادر باشند از کمند مجال محدود خود بگریزند و خود را به شکل جامع صورت‌بندی کنند. بلکه هم روایت‌هایی خرد و برهم افتاده که پیش از آن‌که معنایی بر آن‌ها بتابانیم، مثل پوسته‌ی رنگین حباب مُضمحل می‌شوند و این تقریباً شامل همه چیز است: از سرخط اخبار «مهم» تا روزمرگی‌های پیش‌پا افتاده. گویی زمان تنها حامل سیل رویدادهاست که بی‌وقفه همه را در خود می‌غلطانند و به پیش می‌رانند. از این راه، ذات تحرک و درهم‌ریختگی صحنه‌هایی که نصیر می‌سازد، تداعی‌گر زیست شهری دنیای مدرن هستند.

در سال‌های اخیر نمایشگاه‌های متعددی را از او در ایران شاهد بودیم اما «مروری بر چهار دهه آثار علی نصیر» مهم‌ترین نمایشگاه و رویداد این سال‌های نصیر در ایران است که با هم‌کاری بنیاد لاجوردی و گالری آبه نمایش گذاشته شده است. برگزاری این رویداد هنری انگیزه‌ای بود تا در روزی که علی نصیر عازم سفر به آلمان بود با این هنرمند به‌گفت‌و‌گو بنشینیم.



◆ پیش از هر چیز مشتاق‌ام بدانم چه شد که به سمت نقاشی گرایش پیدا کردید؟ در جایی خواندم که بین معماری و نقاشی و سینما مردد بودید.

من در دوران نوجوانی نقاشی می‌کردم و نقاشی کردن را هم بسیار دوست داشتم. زمانی که قصد مهاجرت به آلمان داشتم به دلیل سن و سال و شور جوانی آدم دوست دارد چیزهای جدید را تجربه کند و به همین دلیل دیگر صرفاً به نقاشی فکر نمی‌کردم و دوست داشتم در حوزه‌ی سینما و معماری هم فعالیت کنم. آلمان که رفتم در ابتدا برای ورود به رشته‌ی سینما تلاش کردم اما حقیقت این است که در





فکر می‌کنم زندگی روزمره و اتفاقاتی که می‌افتد در آثار من بی‌تأثیر نیستند اما من به سرعت به این اتفاقات پاسخ نمی‌دهم. سعی می‌کنم اتفاقات اطراف و زندگی روزمره را در پس‌زمینه ذهن ام ذخیره کنم تا در زمان مناسب به آن‌ها پاسخ دهم. از طرفی شیوه‌ی کار من به این شکل است که اثر جدید ادامه‌ی کار قبلی است و براساس همان قبلی اجرا می‌شود. به همین دلیل آثارم یک رنجیره‌ی بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند و می‌توان بین آن‌ها اشتراکاتی یافت.

❖ مسائل سیاسی و اجتماعی کشور خودمان و جهان را چقدر پی‌گیری می‌کنید؟  
مسئله اخبار و اتفاقات ایران، جهان و محل زندگی خود را پی‌گیری می‌کنم اما همان‌طور که گفتم هیچ‌وقت پاسخ سریعی برای این مسائل ندارم و سعی می‌کنم بگذارم در ذهن ام رسوب کنند، تجزیه و تحلیل‌شان کنم و بعد در آثارم به آن‌ها پاسخ دهم.

❖ در واقع هنگام نقاشی چقدر خودتان را رها می‌کنید و به ناخودآگاه می‌سپارید تا این مسائلی که در ذهن‌تان نگه داشته‌اید خودشان را نمایان کنند؟ یا این‌که از پیش یک طرح یا ایده‌ی اولیه دارید؟

طبیعتاً یک ایده و فکر اولیه برای شروع کارم دارم اما اتفاقات مختلف و تصادف هم در کارم بی‌تأثیر نیستند که البته نکات مهمی هم هستند. اما همین‌فی‌البداهه بودن هم از یک کانال و تجربه‌ی چندین ساله می‌گذرد یعنی پشت آن یک تجربه‌ای وجود دارد.

❖ در پایان این‌که لطفاً درباره‌ی نمایشگاه حاضر توضیح دهید؟

این نمایشگاه قرار بود سال ۱۴۰۱ به صورت کامل در موزه‌ی هنرهای معاصر تهران برگزار شود. پس از اتفاقات و اعتراضات ایران نمایشگاه موزه منتفی شد. کتاب آثار چاپ شده و آثار نیز آماده بودند. ما فکر کردیم که باید کاری انجام دهیم. امکان برگزاری یک نمایشگاه در ابعاد موزه فراهم نبود اما آقای لاجوردی پیشنهاد کردند که نمایشگاه را در ابعاد کوچک‌تری در گالری اجرا کنیم. در این نمایشگاه چون محدودیت مکانی وجود داشت فکر کردیم از هر دوره‌ای یکی دو کار بگذاریم تا به نوعی نماینده‌ی دوره‌ی کاری من باشند. ما نمی‌توانستیم همه‌ی آثار را در دوره‌های مختلف نشان دهیم به همین دلیل گاهی پرش‌هایی وجود دارد. اگر نمایشگاه در فضای بزرگ‌تری برگزار می‌شد، صد درصد شکل کامل‌تری پیدا می‌کرد.

نقشی در جنبش‌ها و سبک‌های هنری نداشته‌ام. در نتیجه نقاشی معاصر ایران نیز بیش‌تر در تعریف‌های نقاشی اروپایی می‌گنجد. به جز نقاشی خط یا مکتب سقاخانه که بحث دیگری دارند. من خیلی از نقاشی ایرانی الهام گرفته و می‌گیرم و آثار نگارگری زیادی تماشا می‌کنم اما دوست ندارم همان‌ها را عیناً در آثارم پیاده کنم. سعی دارم به ذات و عناصری از آن نزدیک شوم و برداشتی آزادانه داشته باشم بدون این‌که از نگارگری تقلید کرده باشم. بیش‌تر هم در زمینه‌ی رنگ و کمپوزیسیون به این نگارگری نزدیک می‌شوم.

❖ شما جزو هنرمندانی هستید که تأثیر بسزایی در هنر نقاشی معاصر ایران داشته‌اید. خودتان این تأثیر را چطور می‌بینید؟

حقیقتاً سؤال سختی است. شاید نوع رنگ‌گذاری یا نگاه من به نقاشی و مسائل شهرهای بزرگ که در کارهایم وجود دارد برای نسل جوان جالب بوده و از آن الهام گرفته باشند.

❖ به رنگ اشاره کردید. رنگ‌ها در آثار شما نقش بزرگی ایفا می‌کنند. به خصوص وقتی تشدید شده و متضاد هم به کار گرفته می‌شوند. رنگ برای شما چه معنایی دارد؟

من رنگ را به صورت سمبولیک استفاده نمی‌کنم. خط هم در کارهایم زیاد است و خط بار راسیونال‌تری دارد. در واقع سعی دارم تلفیقی از این دو را در کارهایم داشته باشم. رنگ بار عاطفی شدیدی دارد و در هر کاری نسبت به موضوع کار سعی دارم رنگ آمیزی متناسبی انتخاب کنم.

❖ همواره در آثارتان رفت و برگشتی بین فیگوراتیو و آبستره دارید. بیش‌تر به کدام یک علاقه‌مند هستید؟

من هنوز هم خودم را یک نقاش فیگوراتیو می‌دانم با این‌که بعضی جاها خیلی به آبستره نزدیک می‌شوم. البته همیشه یک اندام‌وارگی در کار من وجود دارد چه به شکل یک فیگور مشخص چه یک شیئی که جسمیتی دارد. من این رفت‌وآمد را دوست دارم و دوست دارم آثارم بین فیگور و انتزاع سیال باشد. انتخاب این امر بستگی به موضوع و حال و هوای خودم دارد؛ گاهی شتاب، ریزش و انفجارهایی در نقاشی وجود دارد که قوی و ضعیف می‌شوند.

❖ سرچشمه و به تعبیر دیگر منبع اصلی برداشت ایده‌ها و اندیشه‌های شما برای رسیدن به یک اثر کجاست؟







چهار دهه مرور آثار علی نصیر، پروژه‌های از بنیاد لاجوردی و گالری آ

## از برلین تا تهران



شهرزاد روبالی  
خبرنگار

بوده است. او در صحبت‌های خود از روند برگزاری نمایش و همکاری با هدا اربابی در دوره‌بندی آثار علی نصیر می‌گوید. سپس برای تجربه شرح می‌دهد که چگونه بعد از تغییر برنامه‌ی موزه‌ی هنرهای معاصر در نمایش آثار علی نصیر پروژه تازه‌ای تعریف شد و تصمیم گرفتند آثار این هنرمند را در یک هم‌کاری مشترک در گالری آ و بنیاد لاجوردی به نمایش بگذارند.

هم‌زمان با نمایش چهار دهه مرور آثار علی نصیر در بنیاد لاجوردی و گالری آ، کتاب «علی نصیر، طراحی‌ها و نقاشی‌ها از ۱۳۶۴ تا ۱۴۰۱» نیز رونمایی شد. این کتاب شامل متن‌هایی تحلیلی پیرامون آثار و اندیشه‌های علی نصیر است و مخاطب با مجموعه‌ی کاملی از آثار این هنرمند در دوره‌های مختلف کاری آشنا می‌شود.

درودی در ادامه توضیح می‌دهد محتوایی که با فضای نمایش همراه شده است به خوانش آثار در کنار یکدیگر کمک می‌کند و در مورد انتخاب آثار برای نمایش و ویژگی برخی آثار هنرمند می‌گوید: «با آقای نصیر تصمیم گرفتیم آثار متأخر را در گالری آ نمایش بدهیم و آثار دیگری که شامل چهار دهه فعالیت‌های ایشان است، در بنیاد لاجوردی قرار بگیرد. کاغذ همواره بخش بسیار بزرگی از آثار آقای نصیر بوده، اما برای اولین بار است که آثار روی کاغذ در این ابعاد بزرگ از ایشان ارائه می‌شود.»

آثاری که در بنیاد لاجوردی به نمایش در آمد شامل دوره‌بندی مفصلی از فعالیت‌ها و آثار علی نصیر است. در این میان، مجموعه‌ی «هفتاد سنگ قبر» نیز جلب توجه می‌کند که حاصل سال‌های دوستی و معاشرت نزدیک علی نصیر بایدالله رؤیایی است.

احسان لاجوردی درباره‌ی اهمیت این نمایش و ویژگی‌های آثار علی نصیر می‌گوید: «هم‌کاری با گالری‌ها و معرفی هنرمندان تأثیرگذار و تحول‌آفرین در فضای هنر معاصر، همیشه برای ما ارزش بوده است. این نمایش محصول یک همراهی صمیمانه، نزدیک و حرفه‌ای است. در این هم‌کاری توانستیم زوایای گوناگونی از زندگی، آثار و اندیشه‌های علی نصیر را به نمایش بگذاریم. به نظر من موضوع اصلی آثار این هنرمند، انسان معاصر و تلاش او برای زندگی در جمع است. در این آثار

نام علی نصیر از دو دهه پیش در هنر ایران مطرح بود. نمایش آثار این هنرمند این روزها در بنیاد لاجوردی و گالری آ برگزار شد. با این‌که این هنرمند ایرانی در جوانی و پیش از انقلاب ایران را به مقصد اروپا ترک کرد، اما از ابتدای دهه‌ی هفتاد شمسی آثارش را به‌شکل پیوسته در ایران به نمایش گذاشت. سبک ویژه‌ی این هنرمند یکی از دلایل حضور و موفقیت او در فضای هنری ایران است؛ سبکی ویژه که هم بمنوعی از خودانگیختگی برخورداری است و هم در مرز میان انتزاع و هنر پیکرنگارانه حرکت می‌کند.

در ابتدا قرار بود این نمایش سال گذشته با کیوریتوری هدا اربابی و آرکیده درودی، در موزه‌ی هنرهای معاصر برپا شود. بعد از تغییر برنامه‌ی نمایش در موزه‌ی هنرهای معاصر تهران، نمایش چهار دهه مرور آثار علی نصیر از دوم تیرماه امسال در بنیاد لاجوردی و گالری آ برگزار شد و تا سی‌ام تیر در جریان بود.

نمایش چهار دهه آثار علی نصیر شامل دو بخش می‌شود. آثار متأخر این هنرمند در گالری آ به نمایش در آمد و تمرکز بنیاد لاجوردی بر آثاری بود که میان سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ خلق شده‌اند و برخی تاکنون در ایران به نمایش در نیامده‌اند. احسان لاجوردی، بنیان‌گذار و مدیر بنیاد لاجوردی، می‌گوید: «این نمایش در ادامه پروژه‌هایی است که مادر هم‌کاری با گالری‌ها و موزه‌ها انجام می‌دهیم. ما موریت ما شناخت و ترویج هنر معاصر ایران و جهان است. از این رو اکنون به علی نصیر پرداخته‌ایم. او از جمله هنرمندان شاخصی است که سال‌ها پیش از کشور مهاجرت کرد، با این حال رابطه‌ی خود با فرهنگ و جامعه‌ی ایران را هم چنان حفظ کرده است. علی نصیر چهره‌ای بین‌المللی است و آثارش در جریان‌ات و رویدادهای روز جهان ریشه دارد. می‌توانید بازنمایی از زندگی در دوران معاصر را در کارهای او ببینید.»

آرکیده درودی، مدیر گالری آ، در سال‌های اخیر پذیرای آثار علی نصیر در ایران



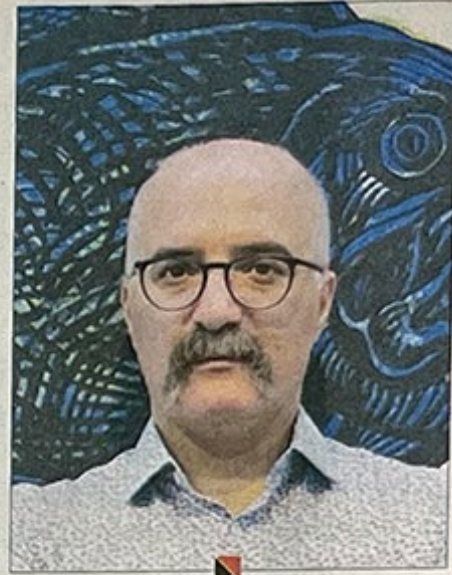




ارکیده درودی، مدیر گالری آ



احسان لاجوردی، مدیر بنیاد لاجوردی



امیر سقراطی، نقاش

علی نصیر چهره‌ی شناخته‌شده‌ی هنر معاصر ایران در سال‌های اخیر است و بر هنرمندان جوان تأثیر بسزایی گذاشته است. ارکیده درودی به این مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید: «ایشان همیشه ایران نیستند و بین تهران و برلین در رفت‌وآمد هستند. برای من به‌خصوص که با تمرکز بیش‌تری آثار هنرمندان جوان را دنبال می‌کنم، دیدن رد پای تأثیر علی نصیر در کارهای هنرمندان نسل جوان‌تر کاملاً مشهود است. از این جنبه نمایش چهار دهه از فعالیت ایشان برای مخاطب و هنرمندان جوان نیز اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند.»

اغلب جامعه‌ای پرماجرا و مملو از اتفاق را می‌بینیم که تشخیص دقیق رویدادهای آن ممکن نیست. لایه‌های پنهان کارهای علی نصیر، روایت‌گر اندام‌وارگی شهروندانی جهان‌وطن و جزئیات زندگی در دورانی گذرا و ناپایدار است.»

امیر سقراطی، هنرمند و منتقد هنری، از زاویه‌ای دیگر به این نمایش می‌پردازد و می‌گوید: «چنین رخدادی منجر به بررسی چهار دهه فعالیت هنرمند می‌شود. نکته‌ی مهم به مسیر این هنرمند و بحث قیاس زیست او و هنرمندان داخل و خارج از کشور برمی‌گردد. به‌عنوان مثال، در ابتدای ورود به بنیاد لاجوردی اثری سه‌لته از علی نصیر دیده می‌شود که به‌سال ۶۴ برمی‌گردد. این اثر به‌خوبی نشان می‌دهد هنرمند در دوران جوانی خود از نظر فرم و رنگ، کار جسورانه و قوی انجام داده است. گرچه ما در آن سال‌ها با کمبود رنگ و بحران جنگ مواجه بودیم و هنرمندان در داخل کشور شرایط متفاوتی نسبت به هنرمند در خارج از کشور داشته‌اند، اما در حال آثار با جسارت مشخصی خلق شده‌اند. این رویداد، فاصله‌ی زیست هنرمند در دو منطقه را نشان می‌دهد.»

سقراطی سپس به فیلم «بدون عنوان» ساخته‌ی هاله قربانی و سیاوش عیدانی که هم‌زمان با این نمایش در خانه‌ی هنرمندان به اکران عمومی درآمد اشاره می‌کند و می‌افزاید: «در لحظه‌ای از فیلم ورود نصیر به دانشکده‌اش در ایران را می‌بینیم، جایی که او با امکانات اندک آموزشی در داخل کشور مواجه می‌شود و از سویی در همان فیلم می‌بینیم که دولت آلمان استودیو و امکاناتی را در اختیار هنرمندان خود قرار داده است. این وضعیت یادآور این جمله است: هر آن چه بکاریم درو می‌کنیم.»

ارکیده درودی در ادامه به ویژگی آثار علی نصیر اشاره می‌کند: «یکی از جذابیت‌های علی نصیر برای من تنوع در کار ایشان است، به‌خصوص الان که فرصت برای دیده شدن دوره‌های متفاوت کاری کنار هم دیگر به وجود آمده، فکر می‌کنم مخاطب بیش‌تر به این ویژگی آگاه می‌شود. مرز فیگوراتیو و آبستره که همه در باره‌اش صحبت می‌کنند یک بخش از کار ایشان است ولی بخش دیگر تنوع است که در عین حال به آثار قبلی نیز پیوسته است. آلمان‌های تکرارشونده در کارهای آقای نصیر کم نیستند ولی همان آلمان‌ها می‌توانند در آثار متفاوت خوانش متفاوتی پیدا کنند. ویژگی مهم دیگر این است که به نظرم ایشان هم‌چنان به دنبال تجربه‌های جدید هستند. به این منظور که آن چه به خوبی بلدند کافی نیست. تلاش برای همواره فراتر رفتن از آن چیزی که به‌دست آمده در آثارشان کاملاً مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال دو اثر کوچک در حال حاضر در گالری روی دیوار است که تازه‌ترین کارهای ایشان هستند، وقتی دقت می‌کنیم، همان خط‌های همیشگی را می‌بینیم ولی با رویکردی تازه و متفاوت.»







# برای نمایشگاهی بدون عنوان

به مناسبت برگزاری نمایشگاه علی نصیر (تیرماه ۱۴۰۲) در گالری اُ و بنیاد لاجوردی



سارا کریمیان  
بزهشگر هنر

وقتی قرار است از علی نصیر بنویسیم، نادیده انگاشتن تحصیل و حیات هنری او در برلین غیرممکن است چنان‌که فضای نمایشگاهی و حتی نحوه چیدمان و نورپردازی آثار او در نمایشگاه اخیرش در گالری اُ نیز یادآور گالری‌های هنری غربی است. علی نصیر هنرمندی پیش‌گام است که توالی تجربه و تثبیت هنری در بیش از چهل سال فعالیت هنری او قابل پی‌گیری است. او را می‌توان جزو تأثیرگذارترین هنرمندانی به‌شمار آورد که عمده زندگی و فعالیت‌شان در خارج از کشور بوده است. اگرچه تغییراتی در آثارش هویدا است اما نصیر را می‌توان جزو آن هنرمندانی قلمداد کرد که از ابتدا تکلیف‌شان با سبک هنری و تا حدودی موضوع مشخص است. علی نصیر نیز مانند هر رهرو مسیر هنر در جوانی در انتخاب میان سینما، نقاشی و معماری تردید داشت که سرانجام هنگامی که در ۲۳ سالگی مقیم برلین شد، برای تحصیل در رشته‌ی نقاشی روانه‌ی دانشگاه هنر برلین شد. یقیناً زیست و رشد هنری در فضای برلین رویکردی متمایز به جهان بینی هنری او بخشید خصوصاً که در آن سال‌ها این شهر جلوه‌گاه برخی از کلیدی‌ترین رویدادهای سیاسی تاریخ معاصر جهان بود که ابعاد انسان‌شناختی و روحی بسیاری داشت. قطعاً مواجهه



و تجربه‌ی زیست در چنین فضایی هنرمند را به سمت بازنمایی مفاهیم عمیق انسانی و گونه‌ای از روابط گنگ و ناپایدار انسان معاصر سوق می‌دهد. نصیر در آثارش همواره در مرز میان فیگور و انتزاع گام برمی‌دارد که در مجموعه‌ی متأخرش حضور فیگور کم‌تر و غیر عینی‌تر است، انسانی که پیش‌تر در مرکز آثار در تعامل با سایر اجزا و کلیت اثر قرار می‌گرفت در آثار متأخر به شکل خطوطی غیرواضح در میان انبوهی از رنگ‌ها و خطوط به چشم می‌خورد. پالت نصیر درخشان است، رنگ‌ها شفاف و زنده خودنمایی می‌کنند؛ هنرمند جایی گفته بود، اگرچه دور از وطن و بر سباق هنر غربی کار می‌کنم اما همواره علاقه و نگاهی به نگارگری ایرانی داشته‌ام و خواهناخواه این سرخ‌های درخشان که با سبزه‌ها در هم می‌آمیزند رگه‌هایی از رنگ‌گذاری نگارگری ایرانی را به یاد می‌آورند. فارغ از این دغدغه و دل‌بستگی، آثار او غالباً فراوطنی و فراجنسیتی است و با وجود این که هنرمند مسئله‌مند مفهوم یا موضوعی را بازنمایی می‌کند، تماماً وفادار به امر نقاشی به‌مثابه نقاشی است که به کارستی بدیع در رنگ و فرم می‌انجامد و پیش از روایت‌گری از امکان نقاشی در برانگیختگی حسی استفاده می‌شود.

نوعی ریتم و تغزل موسیقایی در آثار علی نصیر به چشم می‌آید که البته در نمونه‌های اخیر که نسبتاً انتزاعی‌تر از گذشته هستند این امر بارزتر است. هنرمند غالباً تلاشی برای ایجاد بافت روی بوم یا مقوایی کند که خود حسی از سرعت خلق و آزادگی در خلق طرح‌ها و خطوط القا می‌کند که نتیجه‌ی حس بیان‌گری، احوالات شخصی و درونیات او را بازنمایی می‌کند. از این منظر آثار نصیر در بوم‌هایی که کل‌پوشانی شده‌اند و از روایت شخصی در کمپوزیسیون پیروی می‌کنند بسیار اکسپرسیو است. با وجود این، تقابل و تضادهای رنگی و خطوطی که انتقادی به نظر می‌رسند، در نوعی هوشمندی که شاید خود از شهود و خلاقیت هنری نشأت می‌گیرد، منطقی معتدل و بیان‌گر ایجاد کرده است. نقاشی‌های نصیر اکسپرسیونیستی است و بازنمایی علنی احوالات انسانی است که اشاراتی به ملغمه‌های معاصر دارد اما انتخاب و ترکیب‌بندی رنگ‌ها به‌گونه‌ای است که رجعتی به نوعی بدوی‌گرایی سمبولیست‌ها مشاهده می‌شود. خصوصاً لامکانی فیگورها و نسبت آن‌ها با سایر اجزا صورتی رازآلود از ذات و موقعیت سوزنی انسانی خلق می‌کند که تداعی‌گر نمادهای انسانی-طبیعی است. از این رو وجوه بیان‌گری با پرهمیز از تلخ‌کامی و بازنمایی خشونت اعمال شده و بیش‌تر نوعی ذات حقیقی و غریزی انسان با طبیعت است. اگرچه آثار نصیر غالباً انتزاعی است اما در برانگیختگی حسی می‌توان قرینه‌ای از احوالات انسانی را یافت. به قول سوزان سانتاگ: «در زمانه‌ی زندگی می‌کنیم که تراژدی در آن نه یک فرم هنری بلکه فرمی از تاریخ است.»

علی نصیر در سال‌های اخیر و تقریباً از سال ۱۳۹۶ به این سو علاوه بر فعالیت و حضور در رویدادهای خارجی، هر سال یک نمایشگاه انفرادی در ایران نیز برگزار کرده که از سال ۱۳۹۸ هم‌کاری پیوسته با گالری اُ داشته است.

در تیرماه ۱۴۰۲ نیز نمایشگاهی از آثار علی نصیر در گالری اُ و بنیاد لاجوردی هم‌زمان برگزار شد. تمرکز نمایش گالری اُ بر آثار جدید و تمرکز بنیاد لاجوردی بر آثاری بود که میان سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ خلق شده‌اند و برخی تاکنون به نمایش درنیامده‌اند. این نمایش‌گزیده‌ای از نمایشی جامع به‌کیورتوری هدا اربابی و آرکیده درودی بود که بنا بود ابتدای پاییز ۱۴۰۱ در موزه‌ی هنرهای معاصر افتتاح شود. در بنیاد لاجوردی ۲۵ اثر بزرگ و ۳۲ اثر در سلیزهای کوچک و در گالری اُ ۱۴ اثر از این هنرمند به نمایش درآمد.